

شورای همکاری خلیج در پرتو بهار عربی - شکوفایی قشری اقتصادی در ازای آزادی های مدنی -

1. پیشگفتار

2. بافت سیاسی - اقتصادی شورای همکاری

3. همسویی سیاسی و استراتژیک ناشی از خواسته های مشترک

4. تفاوت های نظری ناشی از ساختارهای سیاسی و نقش رهبری

5. اهمیت استراتژیک شورای همکاری

6. رویکرد ها

"حقیقت این است که عربستان از انقلاب (بهار عربی) در کشور های دیگر استقبال میکند، این در حالی است که وقتی مردم خود این کشور، ندای اصلاحات و تغییرات را سر میدهند، آنها را سرکوب میکند"

سلیل شتی، دبیر کل سازمان عفو بین الملل (1)

1. پیشگفتار

شورای همکاری خلیج در قبال بهار عربی تلاش نمود تا با پیاده کردن "سیاست چماق و زردک" بر اعتراضات گسترده سیاسی در کشور های عضو این شورا غلبه نماید؛ شورا، همزمان با مداخلات خویش در دیگر کشور های عربی شدت بخشید و درین راستا از پشتیبانی غرب نیز برخوردار بوده است. درین نوشته این سیاست چند بعدی شورا بررسی میگردد.

2. بافت سیاسی - اقتصادی شورای همکاری

در قطر مجازات "اهانت" به امیر پنج سال زندان است. (2)

از سال های هفتاد سده بیستم به اینسو - در همگرایی با غرب - در جهت همبستگی بیشتر کشور های عربی حوزه خلیج فارس تلاش میگردید. در اخیر در ماه مارچ سال 1981 سران شش کشور عربی خلیج در ریاض، پایتخت عربستان سعودی گرد آمده و با انتشار یک اعلامیه، تاسیس "شورای همکاری خلیج" (مجلس التعاون لدول الخلیج العربیة Gulf Cooperation Council) را رسماً اعلام کردند. اعضای این شورا عبارت اند از: عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان و قطر. این اعلامیه، اهداف این شورا را در کنار همکاری های اقتصادی و اجتماعی برداشتن گام های مشترک در جهت تدابیر امنیتی میخواند. (3)

در ماه می سال 2012، زمانیکه بهار عربی کاخ های اقتدار گرایان سیکولار و تمامیت گرایان دینی را در حوزه بزرگ کشورهای عربی به لرزه در آورد و قسماً فرو ریخت، نشست رهبران شورای همکاری خلیج باز هم در ریاض برگزار گردید. پرنیان پوشان خلیج در کنار کم کردن "محدودیت های مرزی" در راستای "ایجاد یک نیروی دفاعی منطقه" تصامیمی اتخاذ کردند. عبدالطیف الزبانی، دبیر کل شورای همکاری گفت: " امضای توافقنامه میان کشورهای شورای همکاری خلیج گامی مهم به شمار می آید که می تواند نقش مهمی در تحکیم تلاش های شورا برای گسترش چشم انداز های همکاری در تمام عرصه های امنیتی ایفا کند". (4)

شورای همکاری خلیج از اهمیت ویژه اقتصادی، سیاسی و استراتژی برخوردار میباشد. این شورا با بزرگی 2,4 میلیون کیلومتر مربع دارای 45,9 میلیون جمعیت میباشد. محصول ناخالص اجتماعی این شورا در سال 2011 بر 1,37 تریلیون دالر امریکایی بالغ گردیده و در نتیجه عاید متوسط سرانه آن به 29,9 هزار دالر میرسد. (5)

اقتصاد کشور های عضو شورا در کل وابسته به در آمد های ناشی از صادرات نفت و گاز بوده که به نوبت خود در تجمّل پرستی، ساختمان های نمایی (برج العرب ها) و بخش خدمات به مصرف میرسد، که نظر به پایین بودن پایه سود بخشی - *rentability* - این تاسیسات توسط یارانه مخفی و علنی دولتی به فعالیت های طفیلی خویش ادامه میدهند. در نتیجه اقتصاد تولیدی واقعی - *real productive economy* - از آن کمتر بهره برده و در آخرین تحلیل اقتصاد بزرگ استوار بر پایه های نظری نیو لیبرالیزم این شورا، که در بخش اقتصاد مالی جهانی شدن عجین گردیده است، به پیمانه بیشتر ضربه پذیر میگردد.

تمامیت گرایی دینی، علیرغم وجود تفاوت های کم و بیش، در تمام کشور های عضو این شورا بیداد مینماید. با وجود "دین پناهی" کرسی نشینان این حوزه و بکاربرد روز افزون "دین" به مثابه ابزار سیاسی در جهت سرکوبی خیزش های آزادیخواهانه، شیخ نشینان حاکم به سلطه خویش مشروعیت سنتی- تاریخی داده، گویا چند خانواده شیخ متنفذ - نظر به انکشاف خاص اوضاع تاریخی و بافت های سیاسی زمان در پناه همکاری با نیرو های استعماری - " قدرت سیاسی" را به مثابه "ملکیت شخصی" در انحصار خویش در آورده اند.

3. همسویی سیاسی و استراتژیک ناشی از خواسته های مشترک

کشور های عضو شورای همکاری خلیج نخست از همه از نظر کلیات در رابطه با چندین نقطه در پیوند تنگاتنگ قرار میگیرند:

- عرب تباری، استفاده از وابستگی مشترک عربی در جهت اهداف سیاسی
- دین پناهی در جهت گسترش "وها بیت و سلفیه"
- اقتدارگرایی، بکاربرد دین به مثابه ابزار در جهت اسقرار نظام های کاخ نشینان،
- خصومت با دموکراسی و آزادی های مدنی
- اعتراف لفظی به پشتیبانی از جنبش آزادی بخش فلسطین و حمایت ناچیز مالی از آن،
- ترک ستیزی، در رابطه با امپراتوری عثمانی در گذشته ها و ظهور ترکیه معاصر به مثابه یک کشور دموکرات و بزرگ اقتصادی در منطقه،
- مبارزه با اهداف استراتژیک، مواضع سیاسی و انگیزه های مذهبی ایران به مثابه یک نیروی بزرگ در حوزه خلیج و در اخیر
- غرب گرایی و غرب پناهی.

حکمرویان شورا نظر به خواسته های مشترک شان از روابط تباری، عقیدتی و وابستگی های سیاسی – اقتصادی شان با غرب، به شکل روز افزون در راستای حفظ ساختارهای سیاسی تمامیت گرا و هنجار های اجتماعی محافظه کار استفاده ابزاری مینمایند.

با بروز جنبش بهار عربی که رهبران کشور های عضو شورای همکاری نیز با آن مواجه گردیدند، رهبران سیاسی این کشور ها یک استراتژی مشخص با ابعاد درونی و بیرونی طرح کردند:

- تطمیع اقتصادی هواداران جنبش آزادی در درون کشورها توأم با توسل به زور در جهت سرکوبی آن،
- سیاست انعطاف پذیر و متفاوت در قبال خیزش های آزادی خواهی در دیگر کشور های عربی و در اخیر
- همکاری هر چه بیشتر با غرب در جهت حصول اهداف سیاسی و استراتژیک شان.

از آغاز بهار عربی باینسو، کرسی نشینان شورا با آشفتگی و نگرانی خاص خود شان در قبال جنبش های آزادی خواهی درون کشور های عضو عمل نمودند. آنها، نخست از همه تلاش بخرج دادند تا دست کم از نگاه اقتصادی فشار های روز افزون مردم را از طریق طرح و پیاده کردن پروژه های گسترده اقتصادی کاهش دهند. چنانچه حکومت عربستان سعودی در جنوری سال 2012 اعلام نمود که در نظر دارد برای سه صد هزار نفر زمینه کار را آماده سازد و مزد و معاش را نیز به پیمانه چشمگیر افزایش دهد. (6)

این "تطمیع اقتصادی"، بویژه از طریق ایجاد زمینه های کار میبایست انگیزه های سیاسی دیگراندیشان و ملحوظات مذهبی دیگرکیشان را بی رنگ ساخته و پایه های مادی مشروعیت خیزش های دموکراسی را سست و متزلزل سازد. شورای همکاری، نظر به درآمد های سرشار دولتی ناشی از "ذخایر طبیعی خدا داد" – در تفاوت با کشور های دیگر عربی مانند تونس، مصر و یمن – توانست به آسانی از عهده تمویل چنین پروژه های زیر ساختی اقتصادی و اجتماعی بر آید. ولی در

عین زمان تمامیت گرایان شورا تصامیم سخت "امنیتی" اتخاذ نموده و زمینه "مشروعیت دینی" این اقدامات را در جهت سرکوبی "بهار عربی بومی" آماده ساختند. چنانچه مفتی اعظم عربستان سعودی تظاهرات خیابانی را "غیر اسلامی" خوانده و ناقضین این فتوا را با نام های "گمراه و مرتد" با جزا های قرون وسطایی تهدید نمود. ریاض تلاش نمود تا نخست جنبش مخالفان نظام را، بویژه در مناطق شرقی کشور و از جمله در شهر قطیف در نطفه خفه نماید. در اخیر نوامبر سال 2011 درین شهر بندری، چهار مرد جوان با گلوله نیرو های امنیتی از پا در آمدند. (7) همچنان نیرو های سرکوبگر "شورای همکاری خلیج" تحت فرماندهی قوای عربستان سعودی بتاريخ 15 ام مارچ سال 2011 وارد بحرین گردیدند و به سرکوب کردن "جنبش آزادی" بحرین در "میدان مرجان" پرداختند. (8)

شورای همکاری خلیج در قبال بهار عربی در کشور های دیگر، مانند مصر، تونس و یمن سیاست دو بعدی بخصوصی را - با چشم انداز نفوذ بیشتر در ساختار سیاسی و اجتماعی آینده این کشور ها - پیاده کرد. نظر به استراتژی منطقوی شورای همکاری، بویژه در رقابت با ایران و ترکیه تمامیتگرایان شورا با خودکامگان عربی مانند حسنی مبارک، زین العابدین بن علی و علی عبدالله صالح پیوند های نزدیک تاریخی بر قرار کرده و در جهت استحکام "نظام های اقتدارگرای" این کشورها از مساعدت های وافر مالی اجتناب نمی کردند. ولی پس از فرو پاشی کاخ های استبداد در اثر خیزش آزادی خواهی درین کشورها، رهبران شورای همکاری بدون درنگ تغییر جهت داده و به تماس های دیرینه خویش با برادران دین گرا شدت بخشیدند. گروه های اخوانی و سلفی درین کشور ها از پشتیبانی سیاسی فعال و حمایت های مالی فراوان "برادران عقیدتی و متمول خلیج" بر خوردار گردیدند. شورای همکاری در برکرسی نشاندن نیرو های دین گرا ی اخوانی و سلفی زمینه گسترش تمامیت گرایی دینی را - چه بهتر که آن هم از طریق انتخابات دموکراتیک - هدف قرار داده و این مسئله، یعنی جلب و تقویت همراهان عقیدتی را به مثابه گامی موثر در راه تداوم سلطه گرایی خودشان ارزیابی میکردند.

بر خلاف در لیبیا و سوریه، نظر به ساختار سیاسی و نقش بحث انگیز اقتدار گرایان سیکولار مانند معمر قذافی و بشار اسد، شورای همکاری مستقیماً و به گونه تهاجمی وارد کارزار گردید. اگر عربستان سعودی در مورد بر انداختن قذافی از سکوی قدرت، تلاش نمود تا تصمیم "جامعه عرب" را در جهت همکاری با ناتو، پیمان اتلانتیک شمالی مسخ نماید، قطر با فرستادن دو هواپیمای جنگی در کنار کشور های ناتو مستقیم و علنی در جنگ مقاومت علیه قذافی مداخله کرد. از آنجا بیکه غرب در مورد سوریه - نظر به حساسیت های منطقوی و پشتیبانی های جهانی روسیه و چین- از مداخله رزمی علنی تا هنوز خودداری نموده است، شورای همکاری به پشتیبانی سیاسی، حمایت مالی و تقویت رزمی گروه های اخوانی و سلفی (جبهة النصرة) حتی شبکه تروریستی القاعده ادامه میدهد. این شورا میخواهد که از همین حالا از یک طرف در رقابت استراتژییک و همچشمی های مذهبی با ایران و از سوی دیگر در رزم آرای با نیروهای لیبرال و سیکولار در جبهه مخالفان حکومت اقتدار گرای بشار اسد صف آرای کند. خالد مشعل، رهبر حماس، بنابر دعوت و همچنان وعده کمک های بیشتر مالی امیر قطر، مرکز فعالیت های سیاسی اش را از سوریه به دوحه انتقال داد. رهبر حماس در رابطه با سوریه گفت: " به دلیل اختلاف نظر با بشار اسد بر سر نحوه مقابله با اعتراضات مجبور به ترک دمشق شده است". (9)

بتاسی از گزارش " فریدم هوس " Freedom House، یک بنیاد حقوق بشر امریکایی، در جدول مقیاس "آزادی های اجتماعی و سیاسی" که از یک تا هفت ردیف بندی شده، کشور های عضو شورای همکاری با قرار گرفتن در ردیف شش تا هفت، یعنی آخرین پایه قرار میگیرند. (10) درین راستا در کنار عربستان سعودی و بحرین، که تلاش مینمایند تا اعتراضات آزادی خواهی را در نطفه خفه کنند، امیر قطر به نوبت خویش با دیگر اندیشان برخورد قرون وسطایی مینماید. چنانچه محمد العجمی، اهل قطر و دانشجوی رشته ادبیات در دانشگاه قاهره شعر تازه خود را در سال 2010 در تحسین اعتراضات تونس خوانده بود. درین شعر از قطر نام گرفته نشده بود، و لی از حکمرانان سرکوبگر انتقاد شده بود. این شعر توسط یکی از حاضرین در نشست ضبط گردیده و در انترنیت قرار داده شده بود. طوریکه میگویند " دزد شاخ دارد"، امیر قطر، العجمی را پس از بازگشت به قطر در ماه نومبر سال 2011 دستگیر و زندانی کرد. یک سال بعد این دانشجوی با احساس "به جرم تحریک مردم به سر نگون کردن نظام حکومتی و توهین به امیر قطر به حبس ابد محکوم گردید." (11) بعدتر در محکمه استئناف، محکومیت این زندانی وجدان به پانزده سال حبس کاهش یافت. (12)

4. تفاوت های نظری ناشی از ساختارهای سیاسی و نقش رهبری

با وجود همسویی در قبال غلبه بر "بهار عربی بومی" و اتخاذ استراتژیی مشترک در مورد شکل بندی نظام های آینده کشور های عربی خارج از حوزه شورا، سران کشور های خلیج در قبال چگونگی، گسترش و عمیق ساختن همکاری های سیاسی - اقتصادی و نقش رهبری در روند اجراءات مشترک باهم در تباین چشمگیر قرار داشته و با مصداق های جداگانه عمل مینمایند.

نخست از همه طرح های "برادر بزرگ"، عربستان سعودی با مخالفت کشور های دیگر عضو شورا مواجه شده است. کشور های کوچک شورای همکاری هراس دارند که مبدا توسط پرنیان پوشان محافه کار تر ریاض، که زنان کشور را حتی از حق رانندگی محروم ساخته اند، کاملاً بلعیده شوند. از جمله ابتکارات شهزادگان "کهنه پیخ" سعودی میتوان از سه طرح نام گرفت:

- طرح پول واحد که با مخالفت عمان، امارات متحده عربی و کویت روبرو گردید،
- طرح الحاق اردن و مراکش بمتابه اعضای شورای همکاری که از طرف کشور های دیگر رد گردیده ولی در مقابل همه کشور های عضو - نظر به فشار سعودی - موافقه نمودند که در حدود پنج میلیارد دالر امریکایی به این دو کشور پادشاهی عربی کمک کنند. و در اخیر
- طرح "اتحاد عربستان سعودی و بحرین" که کرسی نشینان منامه آنرا به معنی الحاق کشورشان به عربستان سعودی تعبیر کرده و در نتیجه در هم نظری با کشور های دیگر عضو شورا هم صدا این طرح را رد کردند. (13)

از همین نگاه عبدالباری العطوان، سردبیر روزنامه "القدس العربی" با اشاره به مخالفت کشورهای کوچک خلیج فارس با طرح های سعودی ها از "زوال نقش ریاض در منطقه و جهان عرب" یاد کرده است. (14)

اختلاف نظر عمده اکنون در بین عربستان سعودی، کشور هنوز هم منتفذ محافظه کار دیرینه و قطر، کشور نوظهور با ابتکارات سیاسی در قبال گسترش گزینه تمامیت گرایی در کشور های دیگر و نقش رهبری کشور های عربی، بطور روز افزون بیشتر تبارز مینماید. کرسی نشینانان ریاض مانند گذشته ها در راستای گسترش "وهابیت"، آنها در چارچوب سیاست خزنده و دراز مدت عمل کرده و درین راه بیشتر از گروه های **اخوانی متمایل به وهابیت** پشتیبانی مینمایند. در مقابل الشیخ حامد بن خلیفه آل ثانی، حکمرای قطر به حمایت نیرو های **سلفی و اخوانی** شتافته و در نقش رهبری ملک عبدالله بن عبدالعزیز، که مشروعیت تمامیت گرایی خویش را از توظیف خودی در نقش خادم الحرمین الشریفین اشتقاق میکند، هم چشمی مینماید.

در همین راستا میتوان در قبال تفاوت های سلیقوی بین ریاض و دوحه در مورد گفتگو با گروه التقاطی طالبان یاد کرد. به نظر شهزاده عبدالعزیز بن عبدالله بن عبدالعزیز، معین وزارت خارجه عربستان سعودی، افغانستان به یک راه حل سیاسی صلح آمیز نیاز دارد. درین راه بویژه مهم تلقی میگردد که "نیروهای میانه رو و کسانیکه دهشت افگنی را رد مینمایند" در روند "مصالحه ملی" سهیم گردند. در مقابل خالد بن محمد العطیة، وزیر امور خارجه قطر به نوبه خود بر اهمیت انکشاف و پیشرفت در افغانستان صحه گذاشته و اضافه مینماید که در روند صلح "نباید هیچ گروه مهم افغانستان" منزوی گردد. از همین جهت – به نظر وی – به هدف یک راه حل پایدار در افغانستان نیاز به گفتگوی گسترده با **همه** دیده میشود. باین ترتیب در حالیکه قطر از گفتگوی سیاسی بدون قید و شرط سخن میزند، عربستان سعودی به مثابه پیش شرط در "رد دهشت افگنی" میروند. درینجا باید افزود که گروه طالب هنوز هم، دست کم در اعتراف لفظی تروریسم را رد نکرده است. همین نقطه یکی از دلایل ایجاد دفتر طالبان عوض ریاض در دوحه خوانده میشود. (15)

5. اهمیت استراتژیک شورای همکاری

هارالد براون – Harold Braun -، وزیر اسبق دفاع ایالات متحده امریکا در سال 1980، یعنی قبل از تاسیس شورای همکاری خلیج اهداف کشورش را در مورد اهمیت خلیج فارس بر مبنای این سه محور تشخیص داد:

- تضمین دسترسی به نفت ،
- ایستادگی در مقابل گسترش و نفوذ شوروی،
- ایجاد ثبات در منطقه و در اخیر
- توسعه فرایند صلح در منطقه، بویژه بین اسرائیل و فلسطین. (16)

درینجا باید افزود که اشغال نظامی افغانستان در سال 1979 و انقلاب اسلامی ایران که منجر به روگردانی سیاست خارجی این کشور از غرب گردید، در فورمولبندی اهداف واشنگتن در مورد اهمیت خلیج نقش تعیین کننده داشته است. رونالد ریگن، رییس جمهور ایالات متحده امریکا با در نظر داشت این دگرگونی ها – اشغال نظامی افغانستان و انقلاب اسلامی در ایران – در سال 1981 اهداف کشورش را در قبال اهمیت حوزه خلیج گسترش بیشتر داده و چنین افاده کرده است:

- دسترسی به نفت خلیج فارس،
- حفاظت از خطوط کشتیرانی،
- جلوگیری از گسترش و نفوذ اتحاد جماهیر شوروی،
- تقویت مناسبات تجارتي، اقتصادی و سیاسی با کشور های دوست در منطقه (بخوان شورای همکاری خلیج)،
- دستیابی به نقاط کلیدی در بین حوزه که در پروژه های نظامی امریکا قرار دارند. (17)

غرب، بویژه ایالات متحده امریکا این اهداف را از زمان ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش از اوایل سال های سده بیست و یکم به اینسو، که گروه محافظه کاران جدید از نفوذ بیشتر در کاخ سفید برخوردار شد، با پرخاشگری بیشتر از گذشته ها پیگیری مینماید.

با وجود فرو پاشی امپراتوری شوروی، در اهداف کلی غرب در مورد خلیج تفاوت چشمگیری دیده نمی شود، امکانات تهیه انرژی از آفتاب و باد و همچنان بکاربرد فن آوری جدید در بخش استخراج نفت از شن های تیل آلود و شیوه تکنیکی تولید گاز توسط فن آوری با اسم fracking، اهمیت نسبی حوزه خلیج رانتهها از نگاه تهیه انرژی بصورت نسبی کاهش داده است. ولی این حوزه از نگاه استراتژیک کماکان مانند گذشته ها برای غرب از اهمیت کلیدی بر خوردار میباشد.

در حدود 66 درصد نفت خاور میانه، در کشور های عضو این شورا تولید میشود. بیشتر از 55 در صد ذخایر معلوم نفت جهان در همین کشور ها بوده و سهم این کشور ها در تولید جهانی نفت به 20 در صد بالغ میگردد. (18) ذخایر گاز طبیعی شورای همکاری خلیج بالغ میگردد بر 18 در صد ذخایر جهان، از جمله قطر با داشتن 13 در صد ذخایر گاز جهان بزرگترین کشور شورای همکاری میباشد. (19) صادرات گاز این کشور در سال 2010 بر 10 در صد جهان بالغ میگردد. در آمد قطر از ناحیه صادرات گاز تنها در سال 2010 به 25 میلیارد دلار امریکایی بالغ میگردد. (20)

نظر به اهمیت استراتژیک شورای همکاری خلیج، بحرین پایگاه ناوگان پنجم نیروهای دریایی ایالات متحده امریکا بوده و مسوولیت حفظ منافع غرب را نه تنها در خلیج فارس، بلکه همچنان در خلیج عدن، دریای سرخ و دریای عمان بر عهده دارد.

6. رویکرد ها

(1)

<http://fa.alalam.ir/news/329474>

(2)

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2013/02/130202_an_qatar_human_rights.shtml

(3)

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C_%D9%87%D9%85%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%B9%D8%B1%D8%A8_%D8%AE%D9%84%DB%8C%D8%AC

(4)

<http://isna.ir/fa/news/91082415528/%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B9%D8%B6%D9%88-%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D9%87%D9%85%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%AE%D9%84%DB%8C%D8%AC-%D9%81%D8%A7%D8%B1%D8%B3-%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%81%D9%82%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87>

(5)

<http://www.gcc-sg.org/eng/>

Bernard Haykel, Saudi Arabia and Qatar in a Time of Revolution, (6)
CSIS, Center for Strategic and International Studies, February 2013,
/ <http://csis.org>

(7) در مورد جزئیات این موضوع مراجعه شود به: سید موسی صمیمی: عربستان سعودی در طلسم "تمامیت گرایی مذهبی -" نقض حقوق بشر و مرهم کاری های "عوام فریبانه"، در گفتمان:

<http://www.goftaman.com/daten/fa/articles/part32/samimi-22-01-2013.pdf>

(8) درین مورد مراجعه شود به: سید موسی صمیمی، تداوم خشونت و خفقان سیاسی در بحرین - به مناسبت دومین سالروز آغار اعتراض ها - در گفتمان:

<http://www.goftaman.com/daten/fa/articles/part33/samimi-25-02-2013.pdf>

(9)

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2013/02/130207_u14_hamas_fatah_unity.shtml

<http://www.freedomhouse.org> (10)

(11)

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2013/02/130202_an_qatar_human_rights.shtml

(12)

<http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE22/004/2013/en>)

(13)

<http://www.mehrnews.com/detail/News/1605764>

(14) همانجا

(15) در مورد جزییات مواضع عربستان سعودی و قطر مراجعه شود به: سید موسی صمیمی، رهایی افغانستان از پوشش "حمایت" نیروهای بین المللی - بمناسبت سالروزکنفرانس بن دوم -

در گفتمان: <http://www.goftaman.com/daten/fa/index.htm>

(16)

)<http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&ID=227>

(17) همانجا

(18)

http://www.auswaertiges-amt.de/EN/Aussenpolitik/RegionaleSchwerpunkte/NaherUndMittlererOst/en/AL-GCC/Uebersicht_node.html

(19)

)http://de.wikipedia.org/wiki/Erdgas/Tabellen_und_Grafiken

(20)

<http://www.emirates247.com/business/qatar-s-gas-income-exceeds-oil-revenue-2011-10-27-1.425543>